

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و سوم  
تیر ۱۴۰۱ شماره ۲۶۸

## هویت ملی و تاریخی ایران فروشی نیست

تندیس نفرتیتی یکی از قدرتمندترین زنان حاکم در دوران فراعنه در مصر است که به صورت غیرقانونی و استعماری در موزه مصرشناسی برلین نگاه‌داری می‌شود. «لودویگ بورشاردت» (Ludwig Borchardt)، مصرشناس مشهور آلمانی در حفاری‌های سال ۱۹۱۲ میلادی، تندیس نفرتیتی، ملکه مصر باستان را یافت و آن را به منزله غنیمت جنگی به آلمان فرستاد. آلمان به درخواست مصر برای استرداد این دزدی تاریخی کوچک‌ترین وقعی نمی‌نهند. آلمان همین روش را در مورد غارت میراث فرهنگی کشور آفریقائی نامیبیا، مستعمره سابق خود در جنوب غرب آفریقا نیز اعمال می‌کند و اخیراً بخش ناچیزی از این آثار دزدی شده را تحت فشار بین‌المللی و اعتراضات ضد استعماری ممالک آفریقائی و درچارچوب لاپوشانی کردن جنایات ضدبشری‌اش نسبت به کشتار دو قبیله «هیررو» و «نامادر» در نامیبیا که به نسل‌کشی و کشتار صدها هزار نفر مردم بومی این کشور منجر گشت، تحت مدیریت و نظارت خودش «پس داده» است. موزه‌های لوور فرانسه، موزه بریتانیا که ۷ میلیون گنجینه و آثار باستانی ملل را غارت کرده و به نمایش گذارده است، موزه منهتن نیویورک در آمریکا که آثار ۷۷ هزار سال پیش یعنی قرن‌ها قبل از کشف آمریکا را در خود دارد و بسیار آثار باستانی ایران نیز در آنجاست، بیانگر راهزنی امپریالیستی و خیانت حکومت‌های ایران از زمان قاجار تا به امروز به میهن ماست.

این آثار درست است که میراث فرهنگی بشریت است و باید توسط انسان‌ها و حکومت‌ها حفظ گردد، ولی در درجه اول اساس هویت ملت‌ها را متجلی می‌سازد. نفرتیتی در برلین هویت ملی آلمان نیست، هویت ملی ... **ادامه در صفحه ۲**

## نظم قدیم جهانی با فروپاشی اوکراین تغییر می‌کند

**واقعیات عینی بعد از فروپاشی شوروی چه می‌گویند.**

آمریکا از همان آغاز تجاوز به عراق اعلام کرد که نظم نوینی در جهان برقرار خواهد کرد که تنها منافع آمریکا را مدنظر داشته باشد. این سیاست بر نظریه نئوکان‌ها و تئوری‌های «پال ولفوویتز» (Paul Dundes Wolfowitz) یهودی‌تبار، صهیونیست، رئیس سابق بانک جهانی، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در دوران بوش پسر، معمار جنگ تجاوزکارانه به عراق استوار بود. بر مبنای این تئوری برای این که آمریکا قدرت بلامنازع در جهان بماند باید با توان نظامی خویش از سقوط آمریکا جلوگیری و تمام رقبای آمریکا را قبل از این که اساساً توانشان به حدی رسد که توانائی رقابت با آمریکا را داشته باشند، خودسرانه و به نام دفاع از امنیت ملی آمریکا، از بالای سر همه موازین بین‌المللی و سازمان ملل متحد با جنگ پیشگیرانه درهم شکنند. آنها استدلال می‌کردند که دشمن را باید قبل از یافتن توانائی‌های لازم درهم شکست تا از جنگ جهانی جلوگیری شود. این سیاست تجاوزکارانه را آمریکا بعد از فروپاشی شوروی با خیال راحت تا به امروز ادامه داده است صرف‌نظر از این که کدام رئیس‌جمهور و از کدام حزب در آمریکا بر سر کار بوده است. فراموش نکنیم که دونالد ترامپ رسماً بیان کرد که آمریکا باید همیشه به عنوان رتبه اول در نظر گرفته شود. و بر این اساس دشمنی با چین و نقض قراردادهای جهانی و موازین بین‌المللی را که با منافع آمریکا در تضادند رسماً اعلام نمود و به آن عمل کرد. تا به امروز آمریکا به این نظریه باجگیرانه وفادار است و برای تحقق آن عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، یمن را به خاک خون کشانده، در ونزوئلا ... **ادامه در صفحه ۳**

## ترغیب به جنگ از طرف آمریکا

آمریکا نمی‌خواهد از رهبری اروپا چشم‌پوشد و این را مقامات کاخ سفید مطلقاً پنهان نمی‌کنند و با صراحت اظهار می‌دارند. به این گفته خانم «مادلن آلبرایت» (Madeleine Korbelt Albright) وزیر وقت امور خارجه آمریکا توجه کنید: «درس مرکزی این قرن این است که آمریکا باید یک قدرت اروپائی باقی بماند... ناتو نمی‌تواند و نباید پرده آهنین سابق را به مثابه مرز شرقی حفظ کند. این یک تقسیم‌ساختگی بود... از این گفته هر کس استنتاج می‌کند که روسیه نیز که کشوری اروپائی است به هر شکلی که شده باید تحت سرکردگی آمریکا درآید. زمانی ایشان این سخنان را بر زبان جاری کرد که فضای سیاسی میان روسیه و ناتو بسیار سنگین بود و چنین بیاناتی تحریک‌آمیز تلقی می‌شد. مقامات روسیه نیز فوراً در آن زمان به این ادعا واکنش نشان دادند و روزنامه کیهان در زیر عنوان «نمایندگان دوما تاریخ برگزاری اعتراض سراسری به گسترش ناتو به شرق اروپا را اعلام کرد. روز نهم ماه مه ۱۹۹۷ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۶) روز سراسری اعتراض علیه ناتو است که در مسکو برگزار می‌شود. دوما به قراردادی میان روسیه و ناتو که قرار است روز ۲۷ ماه مه امضاء شود اعتراض کرد و نمایندگان از مردم خواستند که در این راه‌پیمائی اعتراض‌آمیز شرکت کنند و رهبر حزب کمونیست، گسترش ناتو به شرق اروپا را یک اشتباه تاریخی خواند». در همان زمان آقای «آنااتولی چوبائیس» (Anatoli Borissowitsch Tschubais) که امور اقتصاد روسیه را در دست داشت به مجله آمریکائی «تایم» گفت: «با صراحت بگویم سیاست‌مدارانی که از این تصمیم (گسترش ناتو به شرق) حمایت می‌کنند، معتقدند که روسیه کشوری است که باید کنار گذاشت ... **ادامه در صفحه ۴**

## صهیونیسم همدست نازیسم

جنگ در اوکراین و اعلام نظر آقای پوتین مبنی بر این که اهداف ما در این جنگ از جمله نازی‌زدائی است غرب را در مقابل انتخاب ناخوش‌آیندی قرار داد. آنها یا باید به تکذیب حضور نازی‌ها در حکومت اوکراین می‌پرداختند و یا آن که به تکذیب این واقعیت که دیگر اظهارمن الشمس است دست می‌زدند که در اوکراین نازی وجود ندارد. غرب راه دوم را انتخاب کرد و برای اینکه به مقابله با این تهاجم ایدئولوژیک روسیه بپردازد مدعی شد که آقای زلنسکی که در واقع دلچک دست‌نشانده بی‌اراده آمریکا در حکومت اوکراین است، خودش یک یهودی است و با این منطق گویا یک یهودی نمی‌تواند همدست نازی‌ها باشد. این تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک آمریکا هم از نظر تاریخی، هم ایدئولوژیک و هم سیاسی از بیخ و بن بی‌پایه است و تنها جنبه عوامفریبی دارد. حزب کار ایران (توفان) این اسناد را در نشریه شماره ۲۶۵ خود منتشر کرد: «نشریه زوددویچه تسایوننگ در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ در مورد اوکراین مطالب زیر را نوشت که امروز اشاره به آن را مصلحت نمی‌داند. این نشریه به زعم خودش که مردم اوکراین از ترس نازی‌ها حاضرند پوتین را انتخاب نمایند می‌گوید رهبر این نازی‌ها در غرب اوکراین ... شخصی به نام «استپان باندرا» (Stepan Bandera) می‌باشد که دست‌راستی‌ها در غرب اوکراین وی را به نام قهرمان ملی خود معرفی می‌کنند. این عده حتی پایتخت خود را که نامش «لویو» (Lwiw) می‌باشد، با استفاده از ادبیات آلمان «لمبرگ» (Lemberg) می‌نامند. ... در دهه سی قرن بیستم پیروان باندرا وزیر داخله لهستان را ترور کردند. آنها اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان که موافق نظریات ملی‌گرایانه وی نبودند ... **ادامه در صفحه ۵**

## به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

## هویت ملی و... دنباله از صفحه ۱

مردم مصر است که به یغما رفته است تا مردم مصر گذشته و هویت تاریخی خویش را به فراموشی سپرند. در زمان جرج بوش پسر موزه باستانی عراق را غارت کردند و آثار بی نظیرش را که میراث بشریت هستند به موزه‌های جهان و از جمله شیکاگو فروختند. در سوریه آثار باستانی را نابود کرده و یا به موزه‌های ممالک امپریالیستی منتقل کردند، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد در صدد است ۵۲ مکان فرهنگی ایران را بمباران کند، زیرا هدف نابودی هویت ملی و به فراموشی سپردن تاریخ این ملت‌ها بوده و هنوز هم هست.

توفان شماره ۶۴ ارگان سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان در آذر ۱۳۵۱ برابر دسامبر ۱۹۷۲ تحت عنوان «دربار پهلوی و حراج منافع ملی» نوشت:

«اگر به ماده ۱۲۷ قانون کیفری عمومی مصوب مردادماه ۱۳۴۷ مراجعه کنید خواهید دید که به روشنی بیان داشته است:

«۱- هر کس به قصد اضرار یا جلب منفعت به تمام یا قسمتی از ابنیه و تاسیسات یا تزیینات و ملحقات و یا اشیاء و لوازم اماکن تاریخی مذکور در قانون حفظ آثار عتیقه مصوب سال ۱۳۰۹ که به ثبت آثار ملی رسیده است خرابی وارد آورد به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم می‌شود».

ولی این قانون مثل سایر مواقع شامل حال دربار پهلوی نیست.... چندی پیش شهرام پهلوی با وقاحت هرچه تمامتر در توکیو پایتخت ژاپن «کلکسیون شخصی» خود را که شامل آثار باستانی سرزمین ایران است - و معلوم نیست که این حضرت آنها را از چه کسی به ارث برده - به طور علنی به معرض فروش گذاشت. از روز ۷ تا ۱۲ ماه اوت در فروشگاه عظیم «سیسو» در توکیو تحت نظر پلیس ژاپن آثار گرانقدر تمدن کهنسال کشور ما یکی پس از دیگری به تاراج و حراج رفت. برای این منظور دو کاتالوگ گران قیمت که یکی حاوی ۳۲۲ قطعه نفیس آثار ایران باستان و تازه فقط بخشی از «مایملک» شهرام بود چاپ کرده‌اند. قیمت این آثار از چندین ده میلیون ین تا چندین صد هزار ین (واحد پول ژاپن - توفان) نوشته شده بود. کاتالوگ دیگر شامل اشیاء ایرانی و خارجی بود که پخش گردید... به خاطر بیاورید زمانی را که نمایش کمندی تخت جمشید تحت عنوان جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران کهن برگزار شد. در آن موقع لازم بود برای عوام‌فریبی دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم مدام فریاد زنده کردن تمدن پارسی، تاریخ قدیم و کهن و غیره را سردهند، از جشن ملی، از شناسائی فرهنگ قدیم ایران زمین به جهانیان سخن گویند.... حراج آثار ملی میهن ما که تزنین موزه‌های شخصی سرمایه‌داران و یا نمایشگاه‌های کشور امپریالیستی توسط خاندان ننگین پهلوی است بار دیگر نشان می‌دهد که این سلسله در رشته‌ای نیست که شبکه‌ای چپاول و یغماگری

خویش را نگسترانده باشد».

در تاریخ ۲۰۲۲/۰۵/۱۱ برابر با ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ رسانه‌های ایران در روز چهارشنبه از طرحی خبر دادند که نام «استفاده بهینه از اشیاء باستانی و گنج‌ها» را یدک می‌کشد. این طرح توسط گروهی از نمایندگان مجلس ارائه شده که مدعی هستند اجرای آن ایران را به «هاب خرید و فروش آثار باستانی» و «ورود ارز» به کشور تبدیل می‌کند و موجب «درآمدی جدید برای وزارت گردشگری و میراث فرهنگی برای خرید و حفظ آثار باستانی» می‌شود. این نمایندگان برای این طرح دلایل عوام‌فریبانه دیگری هم ردیف کرده‌اند: «اشتغال‌زایی فراوان برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با تاریخ، گوه‌شناسی و باستان‌شناسی، حفظ گنجینه تمدنی و میراث باستانی از تخریب‌ها و کاوش‌های غیرکارشناسی، حفظ گنجینه تمدنی و میراث باستانی از فروش به ثمن بخش به دلالان و قاچاقچیان».

این در حالی است که کارشناسان نگران‌اند که دقیقاً همین طرح به قاچاق آثار باستانی دامن زند و به حفاری غیرمجاز گنجینه‌های تمدنی ایران جنبه قانونی دهد. طبیعی است که این دزدی آشکار با هدف حفظ آثار باستانی صورت نمی‌گیرد زیرا در هیچ کشور جهان شما با قانونی روبرو نمی‌شوید که به بهانه مبارزه با قاچاقچیان آثار باستانی، خودشان با دست خودشان وظایف قاچاقچیان را به عهده گیرند. این نمایندگان را باید به عنوان خائن و دشمن ایران محاکمه کرد. این به مانند آن می‌ماند که به بهانه مبارزه با قاچاقچیان هروئین، هروئین را آزاد کنیم. نمایندگان حامی طرح میراث فرهنگی ایران برای توجیه و مردم‌فریبی گفته‌اند رویکرد قانونی فعلی درباره گنج‌ها و آثار باستانی متعلق به گذشته است و «نیاز به بازنگری» دارد. آنها استدلال کرده‌اند که با رویکرد کنونی بخش بزرگی از میراث معنوی کشور «به خاطر ترس از برخورد قانونی یا در جابه‌جایی‌های پنهانی» نابود شده‌اند. گاهی فلزاتی آب شده یا به قیمت فلز خام فروخته شده که ارزش باستانی آن‌ها هزاران برابر ارزش طلا یا نقره‌ای بوده که در آنها بکار رفته است. و بالاخره «گاهی نیز به ثمن بخش به قاچاقچیان اشیاء باستانی فروخته شده و سر از موزه‌های کلکسیون‌داران شخصی یا موزه‌های کشورهای دیگر درآورده است». طبیعتاً این وظیفه دولت است که برای مبارزه با قاچاق آثار عتیقه به محافظت از آثار باستانی بپردازد، برای کشف و نگهداری آنها شناسنامه تهیه و ناظر تعیین نماید. باید ارزش معنوی، ملی، تاریخی و علمی آثار باستانی را در رسانه‌ها و مدارس به مردم و نسل آینده آموزش داد. مگر اشکالی دارد که ما از باستان شناسان مصری یاد بگیریم و یا از باستان شناسان اروپائی که برای حفظ میراث فرهنگ ملی خود قانون نگاشته و بر اجرای آن دقیقاً و شدیداً نظارت می‌کنند تا این آثار نابود نشوند تجربه بیان‌دوزیم؟ در اروپا کسی حق حفاری خودسرانه ندارد و برای هر کس در زمان حفاری مجاز برای ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی با آثار

باستانی و عتیقه جات در دل زمین روبرو شود، جایزه مناسب در نظر می‌گیرند. هر حفاری در اروپا، با نظارت مسئولان امور ساختمانی ایالات و شهرداری‌ها و بخش‌ها محلی انجام می‌شود. فقط در مملکت شتر گاو پلنگ ایران که مشتی مافیای در قدرت بدون پاسخگوئی و عرق ملی بر سر کارند، می‌شود به خود اجازه داد که با جرات و بدون ترس از تعقیب و نکوهش عمومی چنین طرح راهزنانه‌ای را به مجلس برای غارت اموال عمومی و نابودی هویت ملی ایران ارائه داد و برایش استدلال‌ات سخیف تراشید.

به گزارش ایسنا چنین طرحی در سال ۱۳۸۹ از سوی حمید بقایی، رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری دولت احمدی‌نژاد ارائه شده بود که می‌خواست در جزایر کیش و قشم بازار خرید و فروش اشیاء تاریخی راه‌اندازی کند. تلاش آقای بقایی در برابر مخالفت‌های شدید و تعارض قانونی به جایی نرسید و طرح او متوقف شد. ولی این بار مافیای ضدملی و پول‌پرست با سیاست و تدارکات قبلی مجدداً به جنگ هویت ایرانی آمده است. حال ۴۶ تن از نمایندگان مجلس می‌خواهند با پیش کشیدن همان طرح به قاچاق و غارت آثار باستانی و گنجینه تمدنی ایران وجهات قانونی دهند. آنهم در شرایطی که بنا بر گزارش‌های اداره حفاظت میراث فرهنگی، حفاری‌های غیرمجاز و تاراج آثار تاریخی همین حالا نیز رو به فزونی گذاشته و «قانون در برخورد با افرادی که آزادانه و بدون محدودیت درحال تبلیغ حفاری‌ها و اکتشافات کاذب خود در فضای مجازی هستند و حتی اردوهای آموزشی هم برگزار می‌کنند با ضعف و خلأ مواجه است». این ضعف و خلأ حساب شده و برای حمایت از سودجویی غارتگران آثار باستانی است که حق و حساب این مافیای در قدرت را نیز می‌دهند. مگر فروشندگان آثار باستانی در فضای مجازی نشانی و محل فروش ندارند؟ طرح ارائه شده این بار نیز مانند دوره احمدی‌نژاد با مخالفت‌های بسیاری روبرو شده است. نوروز رجبی، رئیس جامعه باستان‌شناسی ایران این طرح را محکوم کرده و آترومایه ویرانی میراث فرهنگی دانسته است. خبرگزاری ایلنا به نقل از او نوشته است که در این طرح «یکی از قوانین دقیق و اصلی مجازات اسلامی که در سال ۱۳۵۸ مصوب شده و خرید و فروش اشیاء عتیقه را در کشور ممنوع می‌کند و برای آن مجازات تعیین کرده، ملغی شده است».

مافیای قدرت در ایران در پی آن است که هویت ملی ایران را برباد دهد. این دشمنان ایران هم در حکومت شاهنشاهی آریامهری حضور داشتند و هم در حکومت جمهوری اسلامی ایران و این خواست مقبول امپریالیسم و صهیونیسم است. کشوری که هویت ملی نداشته باشد زودتر در مقابل زورگوئی امپریالیسم و صهیونیسم از پای در می‌آید. این اقدام، اقدامی خائنانه و به ضرر منافع ملی ایران است که باید مجریان و سردمداران آن را برای آینده ایران آزاد و دموکراتیک شناخت تا به شدت مجازات شوند.\*

## نظم قدیم جهانی... دنباله از صفحه ۱

به آشوب و خرابکاری دست زده، در بولیوی کودتا کرده، به جنگ با ایران مشغول است و تمام حقوق قانونی میهن ما را به بهانه پوچ مبارزه با تروریسم و محور شرّ، زیر پا گذاشته، ثروت کشور ما را مسدود نموده و نفت ایران را می‌دزد و بالا می‌کشد. و اخیراً روسیه را نیز برای مبارزه و تضعیف چین از «مواهب» خود بهره‌مند ساخته است. این وضعیتی است که اکنون در سراسر جهان حاکم است و ما با آن روبرو هستیم و نمی‌توانیم ارزیابی‌های خویش را از این قالب خارج کنیم.

لنین از رشد ناموزون سرمایه‌داری سخن می‌گفت که بر اساس آن ممالک سرمایه‌داری به صورت موزون و هماهنگ رشد نمی‌کنند. گروهی از آنان بر گروه دیگر پیشی گرفته و توازن قوای طبقاتی و نظامی آنان در جهان تغییر می‌کند. بر همین مبنا امروز روسیه به رهبری پوتین که خودش قبلاً خواهان همکاری با امپریالیسم آمریکا بود و می‌خواست وارد ناتو شود سربلند کرده و در کنار کشور چین قرار گرفته که به عنوان یک غول اقتصادی از فضای مناسب نئولیبرال، مقررات‌زدانی در ممالک غرب و جهانی‌شدن و جهانی کردن سرمایه به خوبی استفاده کرده و با سیاست زیرکانه و عاقلانه سود برده و اقتصاد خود را با استفاده از ابزار سازمان تجارت جهانی تحکیم نموده است. کشورهای دیگری نیز به عنوان ممالک نوظهور اقتصادی قدعلم کرده‌اند که سیاست‌های تجاوزکارانه و غارتگرانه آمریکا را به چالش می‌طلبند. آمریکا باید در جبهه وسیعی بجنگد تا بتواند سلطه بلانمازع خویش را در جهان تثبیت کند. یادآوری کنیم که در این نزاعی که در خاورمیانه درگرفته است ایران لقمه بسیار سختی برای آمریکا شده است که از جانب ارباب سابق ایران دست کم گرفته شد. به این ترتیب ایران به عنوان کلید خاورمیانه و آسیای میانه به راحتی از گلوئی آمریکا پائین نخواهد رفت.

با تشدید تضادها که در اوکراین به نقطه اوج رسید، گروه‌بندی‌های جهانی شکل نوینی به خود گرفته‌اند. گروه قدرتمند اوروآسیا که آینده جهان را با خود به همراه دارد و در آن از جمله چین، روسیه، هند، ایران و ممالک آسیای میانه قرار دارند، از نظر سیاسی حتی از حمایت آفریقا و آمریکای لاتین نیز برخوردار است. رای‌گیری اخیر در سازمان ملل که مهم‌ترین ممالک جهان از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی در مقابل آمریکا ایستادند و حاضر نشدند در تحریم‌های ضد روسیه شرکت کنند گواه فضای ضدآمریکائی غالب در جهان است. یکی از اهداف جنگ کنونی بی‌طرف کردن اروپا و کشاندن آنها به جبهه اوروآسیاست. در این عرصه نزاع مهمی با آمریکا درگرفته است. آمریکا می‌خواهد روسیه و اروپا را در قالب ناتو به جان هم اندازد تا از این مبارزه امپریالیسم آنگلوآکسن قدرتمند بیرون آید. اروپا نیز که به سختی و به شدت زیر فشار آمریکاست و از اهداف آمریکا با خبر است، تلاش دارد به هر نحو که شده از درگیری و رویارویی مستقیم با روسیه در اوکراین حذر کند. از هم اکنون روشن است که اروپا با زخم‌های مهلکی از این درگیری‌ها بیرون می‌آید که اجزاء آن را با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی روبرو خواهد ساخت. این وضعیتی است که در جهان پدید آمده است و هر تحلیلی که بخواید واقع‌بینانه و علمی صورت گیرد نمی‌تواند که در بستر این جریان اصلی جاری نگردد.

اکنون نزاع بر سر نظم کنونی جهان است و این نزاع سرنوشتش در اوکراین تعیین می‌شود، پرسش این است که آیا ما باید نظمی را که آمریکا با گذاردن دریائی از خون و گرسنگی در پشت سرش ایجاد کرده بپذیریم، بر نقض حقوق ملت‌ها صحنه بگذاریم، برای اجرای عدالت بر تصمیمات دادگاه‌های آمریکا که برای جهان قانون وضع می‌کنند، صحنه بگذاریم و مورد تأیید قرار دهیم، آدمکشی و جنایت علیه بشریت را تمجید نامیم، دزدی دریائی، غارت ثروت ممالک، مسدود کردن حساب‌های بانکی کشورها و... را بپذیریم یا به این سیاست چرک و خون دهنه زنیم و این نماد بربریت را مهار کنیم. شکست آمریکا در اوکراین، شکست تئوری‌های جنگ پیشگیرانه است و این شکست تضمینی بر حق حاکمیت کشورها و استقلال مردم جهان و شرط پیشرفت و ترقی آنها است. این شکست یک شکست استراتژیک می‌باشد که از تجاوز به عراق و افغانستان شروع شده و در اوکراین به پایان می‌رسد. این شکست افق‌های تازه‌ای در مقابل توسعه و پیشرفت کشورها می‌گشاید و دست باج‌گیران و چاقوکشان جهانی را تا حد زیادی قطع می‌کند. این شکست برای بسیاری از ممالک امکان تنفس ایجاد خواهد کرد، عراق، ایران، افغانستان، پاکستان، بسیاری ممالک آفریقا و آمریکای لاتین از جمله این ممالک هستند. بعد از این جنگ که آمریکا مردم اوکراین را قربانی مطامع آزمندانه خویش نمود و با نازی‌ها همدست شد، دیگر آمریکا نمی‌تواند از قدرت بلانمازع آمریکا سخن براند. بیش از دوسوم از جمعیت جهان رسماً در مقابل این قدرت زورگو قرار گرفته‌اند. اروپا که قرار بود در این جنگ له و لورده شود و تسلط بلانمازع آمریکا را بپذیرد، به مقاومت دست خواهد زد و زده است. توافقات میان این کشورها فقط ظاهری و تبلیغاتی است و ارزش عملی ندارد. آنها از هم اکنون به علت وابستگی‌هایی که به مواد اولیه روسیه، و یا کالاهای تولید شده در چین که خود محصول جهانی شدن سرمایه است، دارند به شدت ضربه خورده‌اند و معلوم نیست حاضر باشند منافع خویش را در پای منافع آمریکا قربانی کنند. مسلماً بعد از شکست آمریکا مقاومت اروپا نیز افزایش پیدا خواهد کرد و موجودیت اتحادیه اروپا مورد سؤال خواهد بود.

«کریستینا جورجی‌یوا» (Kristalina Ivanova Georgieva-Kinova)، مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول به نقل از یورو نیوز در تاریخ ۲۰۲۲/۰۵/۱۲ گفت: «جهان پس از جنگ اوکراین دیگر مثل قبل نخواهد شد». ایشان در توضیحات خود افزود: «پیامدهای تهاجم نظامی روسیه به اوکراین بر اقتصاد جهانی ... بیش از همه بر آینده انرژی تأثیرگذار خواهد بود و دولت‌ها را با چالش تأمین امنیت انرژی مورد نیاز مردم و اقتصادهای ملی مواجه می‌کند. رئیس این نهاد پولی بین‌المللی با اذعان به این که دولت‌ها بر اساس تجربه حاصل از این جنگ به سمت تأمین ذخایر استراتژیک و تضمین‌کننده امنیت انرژی گرایش پیدا خواهند کرد، تأکید کرد که وقوع چنین شرایطی جهان را بیش از پیش آستان بروز درگیری‌های نظامی بیشتر خواهد کرد».

این سخنان، سخنان «هوادران» پوتین نیست، سخنان عوامل خود امپریالیسم آمریکاست که از هم اکنون تصویر بعد از جنگ را در نظر دارند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. این که سرنوشت جنگ چه باشد حتی برای وی مهم نیست، مهم آن است که دنیای بعد از جنگ

به کلی تغییر می‌کند و این تغییر به ضرر آمریکاست. آمریکا به کاهدان زد محاسبات آمریکا که مبتنی بر خودفریبی، خودستانی و غرور کاذب و نابینائی سیاسی است، به کلی غلط از کار درآمده است. آنها تنها در عرصه رسانه‌ای با موفقیت دروغ پخش می‌کنند ولی این دروغ‌گوئی نیز عمرش به زودی به پایان می‌رسد و دیگر قادر نیستند افکار عمومی را فریب دهند. این درست است که آمریکا قصد داشت روسیه را به یک جنگ فرسایشی بکشد که بنا بر اظهارات پاره‌ای سیاست‌مداران آمریکا ممکن است ماه‌ها و شاید سال‌ها طول بکشد. آنها نازی‌ها را مسلح کرده بودند، بخشی از ارتش اوکراین را به عراق بردند و در آنجا آموزش نظامی دادند، در داخل اوکراین نیز با یاری مستشاران آمریکائی و انگلیسی ارتش اوکراین را تا دندان مسلح نمودند، داوطلبان تروریست، نازی و قاتل را از سراسر اروپا به اوکراین گسیل داشتند، انبارهای اسلحه برای آنها تدارک دیدند و به نسل‌کشی روس تباران در دونتسک و دونباس پرداختند، ۱۶ هزار نفر از آنها را کشتند، در بندر اودسا نازی‌های سازمان‌یافته به کارگران حمله کردند و آنها را در خانه‌های سندیکای کارگری آتش زدند، و نمایندگان منتخب مردم را با یاری گروه‌های ضربتی نازی‌ها و یاران «استپان بانداری» نازی از مجلس منتخب مردم در شهر کی‌یف بیرون ریختند و در یک کلام کودتا کردند، ارتش اوکراین را در رزمایش‌های ناتو شرکت دادند و عل‌رغم میل مردم اوکراین با تحریک، خفقان، تروریسم، اوکراین را به سمت ناتو برای هار کردن و کیش دادن به سمت روسیه آوردند. آمریکا تصور نمی‌کرد که ارتش اوکراین پوشالی از کار درآید. این ارتش که باید با محاسبه آمریکا چندین ماه، تا آخر سال و یا سال‌ها دوام می‌آورد درعرض سه الی چهار ماه با وجود مستشاران خارجی و داوطلبان آموزش دیده نازی و تروریست‌های بین‌الملل در حال متلاشی شدن است و سربازانش فرار می‌کنند و یا تسلیم می‌شوند. آمریکا قادر نیست تسلیحات آنها را در دریائی از اختلافات ناتو و فشار جهانی تأمین کند و علیرغم همه فشارش کم‌تر ممالک اروپائی حاضر به دخالت مستقیم در جنگ اوکراین هستند. آمریکا و عمالش حتی هنر و ادبیات روسیه، موسیقی و هنرمندان روسیه را تحریم کردند و این در حالی است که در تحریم ایران زیر بال هنرمندان خود فروخته ایرانی را می‌گیرند و به مبتذل‌ترین فیلم‌های آنها جایزه می‌دهند. مبارزه آمریکا در تمام عرصه‌های جهانی گسترده است. ولی آمریکا تصور نمی‌کرد اکثریت جهان در پشت سر روسیه بایستند، مردم روسیه متحداً در مقابل تحریم و تهدید به تجاوز یک پارچه عمل کنند و آمریکا نتواند در میان روس‌ها این مقدار خودفروخته و جاسوس بیابد که در تجربه تحریم و تجاوز به ایران در میان ایرانی‌ها یافت. آمریکا در جنگ با روسیه در سراسر جهانی که اخبار واقعی را منتشر می‌کنند و این سه قاره جهان است به کلی منفرد شده است. آمریکا تصور نمی‌کرد بحران آذوقه به دنیا سرایت کند و مردم دنیا آن را محصول تحریم آمریکائی علیه روسیه و گسترش ناتو به سمت شرق بدانند. همه این حساب‌ها حساب دهاتی با کوزه روغنش از کار درآمد.

آمریکا تصور نمی‌کرد که تحریم‌های اقتصادی و سیاست ایجاد محدودیت سوخت و حمله به روبل روسی با اقدامات متقابل روبرو شود و با مانور ارزی روسیه ضربات هولناکی ادامه در صفحه ۴

**امپریالیسم آمریکا تروریست، متجاوز، تشنج‌آفرین، ناقض حقوق اساسی انسان‌ها و دشمن شماره یک بشریت است.**



## نظم قدیم جهانی...دنباله از صفحه ۳

به دلار آمریکا بخورد که دیگر قادر نیست از آن سربلند کند. بسیاری از ممالک جهان از این ببعدها روسیه، چین، ایران و بسیاری ممالک دیگر به صورت ارزش مشترک، با ارزهای خود و یا به صورت تهاثری مبادلات ارزی خواهند داشت و نظام بانکی راهزنانه آمریکا و اروپا را دور می‌زنند. سیاست تحریم مالی و غصب اموال افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها اعتماد عمومی را نسبت به مشروعیت آمریکا متزلزل کرده است که دیگر جبران‌پذیر نیست. در این نبرد مالی، بی‌ارزشی پول آمریکا نمودار شد و تورم سرسام‌آور آن به خود آمریکا باز می‌گردد. همین تصویب بودجه ۴۰ میلیارد دلاری برای کمک به اوکراین در واقع پولی است که در اکثر خود به جیب پیمانکاران و شرکت‌های تسلیحاتی آمریکائی وارد می‌شود. ورود این پول به بازار آمریکا، ما به ازائی به عنوان کالای معادل ندارد. با فروش تسلیحات به اوکراین که در میدان‌های نبرد دود شده و به هوا می‌روند و یا توسط روس‌ها به غنیمت گرفته می‌شوند، مقدار نقدینگی را در بازار آمریکا افزایش می‌دهد و اقتصاد آمریکا را با مشکل روبرو ساخته به ناآرامی‌های اجتماعی دامن می‌زند.

در این مدت دسیسه آمریکا با یاری ترکیه در کودتای در قزاقستان در پشت دیوار روسیه و در کودتای مخملی در روسیه سفید با شکست روبرو شد. دسیسه آذربایجان به یاری ترکیه علیه ایران نیز بی‌ثمر ماند و آمریکا که از سال ۱۹۹۷ در پی تقویت ناتو بود و برنامه‌ریزی کرده بود دست از پا درازتر در میدان جنگ روسیه با اوکراین قرار گرفت.

ادامه جنگ در اوکراین برخلاف تصور آمریکا جبهه اوورآسیا را تقویت کرد، متحدان آمریکا را در خاورمیانه آشفته‌خاطر ساخت و اعتمادشان را به آمریکا به شدت کاهش داد. این متحدان به شدت متزلزل شده‌اند و اکنون نگاهی به شرق دارند. رگه‌های شکست آمریکا در افق سیاست به وضوح به چشم می‌خورند. این جنگ همکاری چین و هند را با روسیه افزایش داده و آفریقای جنوبی و برزیل را نیز به شرق نزدیک‌تر کرد. تمام این مولفه‌ها در محاسبات مغرورانه آمریکا جائی نداشتند.\*

## توغیب به جنگ...دنباله از صفحه ۱

و در جهان متمدن نگنجاند. این شتبه بزرگی است نه از این جهت که موضعی غیردوستانه نسبت به کشور من است، بلکه از این جهت که بدون روسیه راهی برای طراحی ثبات اروپا و ثبات جهانی وجود ندارد. در همان زمان لهستان، مجارستان و چک را دعوت کردند که به ناتو بپیوندند زیرا تبلیغ می‌نمودند که امنیت این کشورها توسط ناتو حفظ می‌شود. ولی امنیت این کشورها در چارچوب «سازمان امنیت و توسعه اقتصادی» تضمین شده بود و نیازی به پیوستن به ناتو نداشتند. تقویت ناتو از طرف آمریکا تدارک جنگ برضد روسیه، تضعیف روسیه، تقسیم روسیه، حمله به چین و تسلط کامل برجهان بود و هست و از همان بدو فروپاشی شوروی آغاز شد و نه در فوریه ۲۰۲۲. تلاش برای ورود اوکراین به ناتو از نظر همه سیاست‌مداران جهان اعلام جنگ به روسیه و فرمان تسلط برجهان بود. در این جنگ فقط سرنوشت روسیه رقم نمی‌خورد سرنوشت جهان است که

با قلم دیگری نوشته می‌شود. پایان این جنگ روز تثبیت جبهه اوور آسیا و شکست سیاست‌های نئواستعماری غرب است. سرنوشت ایران نیز در این عرصه تعیین شده و به سرنوشت این مبارزات گره خورده است. جنگ در اوکراین به طور مستقیم جنگ ایران علیه آمریکا، اروپا و اسرائیل نیز هست. پیروزی روسیه در این جنگ تضمین تمامیت ارضی ایران و حق حاکمیت کشور ماست. ناسیونال شونیست‌های تجزیه طلب باید تا تغییر اوضاع راهبردی جهان برای نسل بعدی آب نبات بکنند.

در این زمینه که از هم اکنون آینده جنگ دارد رقم می‌خورد ایران از موضع قدرت صحبت خواهد کرد و نقش بسیار ممتازی می‌تواند در آسیای میانه و خاورمیانه در حیطه فرهنگی ایران در دوستی با همه همسایگان بر اساس منافع مشترک، احترام مشترک ایفاء نماید. شکست دشمنان خارجی ایران، رونق تولید، مبارزه طبقاتی را به مسیر عادی خویش برمی‌گرداند. تضادهای طبقاتی تشدید می‌گردد و علی‌رغم خیانت ایرانیان مزدور و چپ‌نماهایی که در درون مبارزات کارگران با نظریات چریکی و ضدحزبی اخلال می‌کنند، مبارزات طبقه کارگر ایران رشد خواهد کرد و با الهام از سنت مبارزات طبقاتی و سندیکائی در ایران راه درست خویش را خواهد یافت.

## تشدید تضادها در غرب

اگر به سیل اخباری که مانند آوار به سر شما می‌ریزند و اغلب تبلیغاتی و دروغ است، توجه کنید، می‌بینید لحن ارتجاع غرب روزانه عوض می‌شود. آنها که مغرورانه انتظار پیروزی زودرس و فروپاشی روسیه را می‌کشیدند، حال خودشان به هراس افتاده‌اند. نظام جهانی شدن سرمایه - که بر مبنای آن دروازه‌های گمرکی را گشودند و تولید را به ممالک با مزد ارزان منتقل کردند، افسار سرمایه را رها ساختند و... - با سیاست آمریکائی تحریم کشورها و به ویژه کشورهای قدرتمند و صادر کننده مواد اولیه در تناقض کامل است. لذا این نظام ترک سختی برداشته است. بازگشت تولید به ممالک مادر از چین، هند و یا بنگلادش و حتی روسیه به این سادگی میسر نیست. آمریکا نمی‌تواند همانگونه که سیاست نئولیبرالی و جهانی کردن سرمایه را به همه کشورها تحمیل کرد، بازگشت ازاین سیاست را هم به همه تحمیل کند. شکستن پاهای اقتصاد جهانی، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و حتی بانک جهانی و آنها با فشار سیاسی و قلدرمنشی آمریکا، عواقب غیرقابل پیش‌بینی برای ممالک نظیر آلمان، اتریش یعنی ممالکی دارد که فاقد منابع اولیه هستند. به این جهت بار مشکلات سیاست آمریکا بر دوش اروپا است ولذا آنها خواهان مدیریت جنگ و خاتمه آن هستند. شکست غرب در اوکراین به انجا منجر شده است که شما به راحتی تغییر لحن مطبوعات و رسانه‌های گروهی در این ممالک را حس می‌کنید. به تدریج سخنان مخالفان را که تا به حال سانسور «دموکراتیک» در این دنیای «آزاد» می‌کردند می‌شنوید. در برنامه «برلین تی وی اشپسیال» (tv.Berlin Spezial) گفتگمانی در جریان بود که ما بخشی از آن را با کمی جرح و تعدیل ارائه می‌دهیم.

مجری برنامه از ژنرال سابق ارتش آلمان «گرد شولتسه روهنهوف» (Gerd-Schulze-Rhonhof) می‌پرسد که: «هدف ناتو در جنگ اوکراین چیست؟ ژنرال: ناتو

تحت تسلط آمریکاست و در این مورد شیپور حرکتش که به سمت شرق برود را آمریکائی‌ها زدند و نه سایر دول موجود در اتحادیه اروپا. وی در ادامه سخنانش معتقد است که ناتو باید فروتنانه رفتار کند و خودش این پرسش را مطرح می‌کند که آیا تصور می‌کنید این جنگ پایان خواهد پذیرفت، بدون آن که اوکراین به یک کشور بی‌طرف تبدیل شود؟ من به این اعتقاد ندارم. یک جائی باید توازن منافع برقرار شود در غیر این صورت هرگز صلحی به وجود نخواهد آمد. توازن منافع، یک جائی میان درخواست‌های آمریکا و روسیه است ولی خواست‌های آمریکا در کل خود با خواست‌های ناتو شباهت دارند. در مقابل این پرسش که آیا اوکرائینی‌ها از جانب ما مایوس شده‌اند بیان کرد: در جلسه گفته شد که ما در یک دنیای مرتبط با هم زندگی می‌کنیم. بیسمارک (صدراعظم آلمان- توفان) روزی گفت که صلح پایدار را بر اساس توازن منافع می‌توان به دست آورد و نه این که یکی منافع خودش را به زور تأمین کند و حالا آمریکا ونداند آمریکا و ناتو به زور، منافع خودشان را به پیش می‌برند که این نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. من با این حرفم هیچ طرفی را بر حق نمی‌دانم ولی آدم عاقل می‌فهمد که با همسایه‌اش باید تفاهم ایجاد کند. نمی‌شود گفت ما زورمان زیاده‌تر است کار خود را از پیش می‌بریم. این منطق تا زمانی که ما قوی‌تر هستیم برائی دارد و وقتی طرف مقابل قوی‌تر شد وضعیت بر اساس توازن قوای جدید تعیین می‌شود. اگر به سخنان وزیر امور خارجه آمریکا و وزیر امور خارجه اوکراین در عرض همین چند ماه گذشته دقت کنید در سطح بسیار بالا بلوف می‌زدند. آنها قراردادی برای شراکت استراتژیک منعقد ساختند. دبیرکل ناتو اعلام کرد در جلسه ناتو در مادرید در چند ماه دیگر در مورد عضویت اوکراین در ناتو تصمیم گرفته می‌شود، و بعد بایلدن اعلام کرد امنیت آمریکا برای اوکراین همچون آهن ذوب شده است و آتوقلت زلنسکی باد به غیب می‌اندازد. در ژانویه امسال ناتو از اوکراین دعوت کرد در کار تدوین اسناد راهبردی ناتو برای ده سال آینده - تا سال ۲۰۳۰ - فعالانه شرکت کند. این برای پوتین این معنی را می‌داد که اوکراین در سال ۲۰۳۰ عضو ناتو شده است. اگر در همین دو سال پیش بر سر بی‌طرفی اوکراین توافق می‌شد ما امروز جنگ نداشتیم. کشورهای دیگری هم برخلاف میلشان در گذشته به عنوان ممالک بی‌طرف اعلام شدند، بلژیک، سوئیس، اتریش، فنلاند آن روز کسی اعتراض نکرد، چرا این کار را با اوکراین نکردیم. بی بی سی در تاریخ ۵ خرداد ۱۴۰۱ برابر ۲۶ مه ۲۰۲۲ چنین گزارش داد: «اما در داووس امسال، همه تبلیغات و سخنرانی‌ها آن گونه که اوکرائینی‌ها علاقه داشتند پیش رفت. علت این مساله هم حضور هنری کسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا در این نشست بود. آقای کسینجر که در سن ۹۸ سالگی همچنان به عنوان یک چهره اثرگذار بین‌المللی در رویدادهای مهم حاضر می‌شود، سال‌هاست که در ارتباط با بحران روسیه و اروپا بر سر اوکراین، تحلیل‌هایی ارائه می‌کند که باب طبع بسیاری از اوکرائینی‌های ضدروسیه نیست. حالا که روسیه به اوکراین حمله کرده، مواضع هنری کسینجر حتی بیش از گذشته خشم اوکرائینی‌ها را بر می‌انگیزد. او در سخنرانی‌اش... ادامه در صفحه ۵

## با تسلط رویونیسم در حزب طبقه کارگر، ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند

## توغیب به جنگ... دنباله از صفحه ۴

برخلاف اکثر سخنرانانی که خواستار حمایت همه جانبه از اوکراین و عقب راندن و شکست کامل روسیه بودند، گفت که غرب نباید در اوکراین، شکستی تحقیرآمیز و همه جانبه به روسیه تحمیل کند. هنری کسینجر در سخنرانی اش تا آنجا پیش رفت که حتی پیشنهاد کرد برای حل و فصل ماجرا، اوکراین بخشی از خاکش را به روسیه واگذار کند.

آقای کسینجر با اشاره به عبارت لاتین «status quo ante» گفت که در شرایط ایده آل، هدف هرگونه مذاکرات صلح، رسیدن به وضعیتی است که این عبارت لاتین آن را توصیف می کند. معنای لفظی این عبارت «وضعیت موجود پیش از این» است و در روابط بین الملل به شرایطی اطلاق می شود که قبل از آغاز جنگ، بین دو طرف حاکم بوده است. اما پیش از آغاز جنگ، شبه جزیره کریمه که بخشی از خاک اوکراین است در اختیار روسیه بود و همچنین بخش های مهمی از دو استان «لوهانسک» و «دونتسک» نیز توسط جدایی طلبان هوادار مسکو اداره می شد و عملاً روسیه آن بخش ها را نیز کنترل می کرد.

وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریچارد نیکسون و جerald فورد، گفت رسیدن به هر چه بیش از شرایط قبل از جنگ (به معنای مرزهای پذیرفته شده اوکراین در سطح بین المللی)، به معنای پایان این جنگ نخواهد بود، «بلکه نیازمند آغاز جنگی جدید علیه روسیه است.» هنری کسینجر گفت که روسیه به مدت چهار قرن «بخش بسیار مهم اروپا» بوده و رهبران اروپایی نباید در جریان مقابله با ولادیمیر پوتین، «مساله روابط درازمدت با این کشور را از نظر دور کنند» چرا که چنین کاری، روسیه را به سوی یک ائتلاف همیشگی با چین سوق می دهد. (تکیه همه جا از توفان).

این اظهار نظر که نشانه شکست سیاست ناتو به رهبری آمریکا در اوکراین است توسط رئیس جمهور فرانسه تکرار شد. مطبوعات در تاریخ ۲۰۲۲/۶/۰۵ گزارش کردند که رئیس جمهور فرانسه با اظهاراتش در مورد جنگ اوکراین خشم زلنسکی و وزیر امور خارجه اوکراین را برانگیخته است. به موجب این گزارشات: «ماکرون نسبت به تحقیر روسیه هشدار داده بود تا پس از پایان درگیری ها در اوکراین راه حلی دیپلماتیک پیدا شود. مکرور در مصاحبه ای با چندین روزنامه منطقه ای گفت که فرانسه نقش میانجی را ایفا خواهد کرد. رئیس جمهور گفت: «ما نباید روسیه را تحقیر کنیم تا بتوانیم از ابزارهای دیپلماتیک برای ساخت سکوی پرش در روزی که درگیری ها متوقف شود، استفاده کنیم.» «من متقاعد شده ام که نقش فرانسه این است که یک قدرت میانجی باشد.» مکرور از زمان آغاز تهاجم روسیه در فوریه به طور منظم با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه برای تضمین آتش بس و آغاز مذاکرات معتبر بین دولت های کئی یف و مسکو گفتگو کرده است.»

این است وضعیت کنونی اوکراین که چهره سیاسی جدید جهان را رقم می زند. از هم اکنون باید در پی نظم جهان بعدی بود که در آن اسرائیل جایی ندارد و ترکیه ماجراجو به شدت ضربه خواهد خورد و پاهای ناتو خواهد شکست. ایران می تواند نقش مهمی در مبارزه برضد تحریم و تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم ایفاء کند و امنیت خویش را در منطقه تضمین نماید.●

## صهیونیسم همدست... دنباله از صفحه ۱

ترور می کردند. آنها در دفتر مطبوعات بمب می گذاشتند و در خیابان ها به دنبال شکار یهودیان و کمونیست ها بودند... در زمانی که ارتش آلمان (ورماخت) در ژوئن ۱۹۴۱ به شوروی تجاوز کرد باندا با پرچم های خوش آمدید از آنها استقبال کرد. . نشریه نامبرده ادامه می دهد: «وی در سال ۱۹۴۴... در کنار هیتلر با سلاح آلمانی بر ضد ارتش سرخ جنگید.» امروز پیروان «باندا» سازمانی به نام «منطقه راست» دارند که خودشان را «ناسیونالیست های متدین» می نامند. همان ها که با هم کوکشل مولوتف درست می کنند و مراسم مشترک مذهبی اجراء می نمایند. «رهبر آنها گفت که پاره ای اعضاء آنها در چین علیه روس ها جنگیده اند.» روزنامه فوق می نویسد: «استیان باندا فقط برای چریک های شهری با چهره های پوشیده یک نماد قابل سجده نیست، خیابان ها را به نام وی نامیده اند و در اوکراین غربی یک دوجین مجسمه برایش ساخته اند که از وی با مشت های گره کرده و یا بدون آن تجلیل می کنند. آقای ویکتور یوشچنکو (رئیس جمهوری که از آخرین رئیس جمهور اوکراین آقای ویکتور یانوکوویچ در یک انتخابات دموکراتیک شکست خورد - توفان) رئیس جمهور هم عقیده رئیس جمهور کنونی اوکراین (منظور پروسنکو است که بعد از کودتا بر سر کار آمد- توفان) لقب «قهرمان ملی» را به استیان باندا در سال ۲۰۱۰ عطا کرد. متعاقب این حرکت دولت لهستان بسیار خشمگین گشت و زوددویچه می نویسد: «در آن زمان رئیس جمهور لهستان لخ کاشینسکی معترضان اظهار داشت: «بیش از ۱۰۰ هزار لهستانی باید می مردند تنها به این علت که لهستانی بودند» و پارلمان اروپا و مرکز سیمون روزنتال (یک مرکز متعلق به یهودیان برای تعقیب نازی ها بعد از جنگ جهانی دوم - توفان) دست به اعتراض برداشتند و ولادیمیر پوتین از مسکو با کمی مسرت از این خسارت اظهار داشت: یوشچنکو «به چهره حامیان غربی خود تف کرد». ما به اسنادی که در رسانه های اجتماعی می گردد اشاره نمی کنیم. تمام رهبران اوکراین سلام های هیتلری در همه جا ظاهر می شوند و حتی در مجلس آلمان و کانال های تلویزیونی آلمان اسناد مربوط به ماهیت نژادپرستانه و حکومت نازی ها در کئی یف منتشر شده است. گروه های تروریستی و مسلح نازی به نام «آزوف» به صورت گردان های نظامی در ارتش اوکراین ادغام شده و در مقام های موثر قرار گرفته اند و با سیاست روس زدائی و نسل کشی در جنوب و شرق اوکراین به آدم کشی مشغول گشتند. این حقایق را دیگر نمی شود با انتشار کوهی از جعلیات و اشاعه دروغ کتمان کرد. پس می بینیم تاریخ نگاری ناتوی تجاوزکار با واقعیاتی که خودشان در هشت سال پیش می گفتند و می نوشتند در تناقض آشکار است. عاملان جنگ روانی در ناتو به یهودی بودن زلنسکی، دولتمرد سرگردان و بازیگر اوکراین اشاره می کنند که باید شاهدهی بر غیرنازی بودن حاکمیت در اوکراین باشد. آقای زلنسکی برای تاکید غیرنازی بودن دولتش به اسرائیل سفر کرده و در مجلس اسرائیل سخنرانی

می کند که به علت ناشیگری در بیان به شدت مورد حمله نمایندگان صهیونیست قرار می گیرد. واقعیت این است که یهودی بودن الزاما به مفهوم ضدنازی بودن نیست.

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در تاریخ ۲۰۲۲/۰۵/۰۲ در مصاحبه اش با رسانه های ایتالیا، بیان کرد که یهودی بودن رئیس جمهوری اوکراین در تضاد با ادعای روسیه نیست که هدف از حمله خود به اوکراین را «نازی زدایی» در این کشور اعلام کرده است. سرگئی لاوروف در ادامه سخن خود افزود: «حتی هیتلر هم خون یهودی در رگ داشت» و «در میان یهودستیزان، یهودی هم وجود دارد».

در زمان جنگ جهانی دوم پیش از آن که اروپا و آمریکا به پیشنهادات شوروی سوسیالیستی مبنی بر همکاری مشترک در مبارزه برضد آلمان نازی پاسخ مثبت دهند، با آلمان هیتلری همکاری مستقیم و روشن داشتند. کنسرن های آمریکائی ژنرال موتور و فورد و راکفلر یهودی نه تنها به آلمان به خاطر ترغیبشان برای تجاوز به شوروی کامیون های نظامی و تانک صادر می کردند، بلکه سوخت هواپیماهای آلمانی را نیز تامین می نمود. دادگاه های آمریکا توماس مان نویسنده مترقی آلمانی را به محاکمه کشیدند که به چه مناسبت قبل از این که آنها یعنی آمریکائی ها با آلمان نازی وارد جنگ شوند در انتشارات خود از مبارزه علیه نازی ها و فاشیست ها دم زده است و این مغایرت کامل با سیاست روز دولت آمریکا داشته است.

بعد از جنگ نیز دولت آمریکا در آلمان غربی بسیاری از نازی های شکست خورده را در دستگاه اداری آلمان نظیر دستگاه قضائی، دستگاه های امنیتی، ادارات دولتی، دانشگاه ها و... مجدداً به کار گرفت تا برضد کمونیست ها مبارزه کنند و دانشمندان نازی نظیر «ادوارد فون براون» پدر موشکی آلمان را به آمریکا برد، به وی تابعیت آمریکائی داد و به تظهير گذشته نژادپرستانه وی دست زد و آب تظهير بر سرش ریخت. تمام صهیونیست های آمریکائی از این سیاست حمایت کردند. تا به امروز نیز شما اظهار نارضائی از اسرائیل صهیونیسم نسبت به این حمایت روشن آمریکا از نازی ها نمی شنوید. در این جاست که ما به بخش بعدی می رسیم و آن این واقعیت است که کارل مارکس یهودی تبار و فریدریش انگلس در بیانیه حزب کمونیست بیان کردند که تاریخ همه جوامع انسانی تاریخ مبارزه طبقاتی است و مبارزه طبقاتی اصل و نسب نمی شناسد و به دین و اعتقادات ربطی ندارد. کارل مارکس یهودی تبار کمونیست بوده و مورد نفرت صهیونیسم و امپریالیسم است. به همین جهت نیز امپریالیسم آمریکا چارلی چاپلین یهودی تبار، این هنرمند بی نظیر و جاویدان تاریخ سینما را بعد از محاکمه از آمریکا اخراج کرد و هرگز مورد اعتراض صهیونیست ها قرار نگرفت، زیرا صهیونیسم ایدئولوژی سرمایه داری و در خدمت منافع امپریالیسم است. برای صهیونیسم دشمنی با سوسیالیسم و دشمنی با کمونیست ها در درجه نخست قرار دارد و نه تعلقات دینی. اگر دانشمندان ایرانی با تبار یهودی. ادامه در صفحه ۶

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

## صهیونیسم همدست... دنباله از صفحه ۵

بودند، صهیونیست‌های اسرائیلی از ترور آنها ابائی نداشتند. نام خانواده «روتشیلد» (Rothschild) تاجر بزرگ آلمانی یهودی‌تبار، و بعداً بریتانیایی را حتماً شنیده‌اید، روتشیلدها نقش مهمی در ساختار دولتی اسرائیل داشتند. «جیمز ا. د. روتشیلد» ساختمان کنست را به دولت اسرائیل اهدا کرد. دادگاه عالی اسرائیل نیز توسط «دوروتی د. روتشیلد» ایجاد شده است. این خانواده سرمایه‌دار به عنوان سرمایه‌دار عمل می‌کند و نه به عنوان یهودی. وجود اسرائیل صهیونیستی به عنوان پایگاه و سنگر امپریالیسم در خاورمیانه به نفع نظام سلطه و استیلای آمریکاست اگر روزی همین اسرائیل سوسیالیستی شود، نخستین کسانی که فرمان قتل عام یهودیان را صادر خواهند کرد همین روتشیلدها خواهند بود. آنها هماهنگ با سیاست بریتانیا در جنگ جهانی دوم که بر کشتار یهودیان چشم بستند، زیر بغل هیتلر را گرفتند و تشویقش کردند که به شوری حمله کند تا هر دو رقبای بریتانیا از این جنگ ضعیف بیرون آمده و سرکردگی بریتانیا در جهان را تضعیف نکنند، آری آنها کاملاً با سیاست بریتانیا موافق بودند و از این سیاست حمایت می‌کردند. همین سیاست طبقاتی را کلیسای مسیحی اعمال می‌کند. آنها از کشتار ژنرال پینوشه در شیلی مسیحی از ته دل حمایت کردند و مسیحی‌تبار بودن مردم بر طبقاتی بودن مبارزه انقلابی آنها نچربید. در خود اسرائیل نگاه کنیم. اسرائیل کشوری سرمایه‌داری است و در آن توسط نیروی کار ارزش اضافی تولید می‌شود. این ارزش اضافی را طبیعتاً کارگران اسرائیلی و فلسطینی تولید می‌کنند و اگر روزی به اعتصاب دست زده و تقاضای اضافه حقوق نمایند که بیش از انتظار سرمایه‌داران باشد، مسلماً توسط ماموران امنیتی اسرائیل سرکوب می‌گردند. این تصور که چون کارگران اسرائیلی یهودی‌تبار بوده و ماموران نظامی و امنیتی یهودی به آنها کاری ندارند، تصور واهی و ذهنی می‌باشد زیرا در این مبارزه منافع طبقاتی بر همه چیز سایه انداخته و نقش تعیین کننده را بازی می‌کند. بر این اساس است که وجود زلنسکی در دولت اوکراین و نه در حاکمیت این کشور، تنها بیان یک نمایشنامه رذیلانه است. منافع صهیونیسم و یهودی‌تباران در حاکمیت اوکراین ایجاب می‌کند در پی نظم کهن و کنونی جهان باشند. هستی صهیونیسم اسرائیل بعد از برهم خوردن نظم فعلی در خطر بسیار شدید قرار خواهد گرفت. مسئله بود و نبود آنها مطرح است و این است که حمایت زلنسکی‌های یهودی‌تبار از نازیس در اوکراین که برای حفظ نظم آمریکایی و استیلای آنها بر جهان می‌جنگند هم‌آهنگی دارد. از این منظر طبقاتی است که باید همدستی صهیونیسم و نازیس را دید. همین ماهیت نشان می‌دهد که بی‌جهت نیست که صهیونیست‌های اسرائیلی همان بلائی را به سر مردمان بومی و صاحبان اصلی سرزمین فلسطین می‌آورند که نازی‌ها به سر آنها آوردند. هلوکاست نازیس با هولوکاست صهیونیسم فرقی ندارند و ماهیتاً برادرند.\*

## آوار فساد... دنباله از صفحه ۸

با حسن نیت و انسانی در کارش دچار خطا شود، ولی رخداد متروپل صرفاً یک جنایت است، زیرا کسانی که مجوز ساختمانی صادر کرده ولی نظارتی بر انجام عملیات نداشته‌اند و یا بساز و بفروش‌ها، شرکت‌های ساختمانی، پیمان‌کارانی که گردن‌هایشان ستبر شده، زیرا با مافیای در قدرت بند و بست دارند، آگاهانه به این تخطی دست زده و دستشان در خون این مردم آغشته است. آنها برای کسب سود مافوق حداکثر یعنی سودهای مافیائی هر خطری را برای مردم به جان می‌خورند. آنها حتی به علت نزدیکی‌های خانوادگی و تعلق به مافیای قدرت جایزه و لوح «خیر امنیت‌ساز» می‌گیرند و همه آن کسانی که به این پیمانکاران رانت‌خوار مدال می‌دهند، خودشان در این بخوربخور سهیم‌اند. این عده دشمنان مردم ایران هستند. این که مالک این متروپل سرمایه‌اش از کجا آمده است معلوم نیست، زیرا به پاس نفوذ تجار محترم بازار، اطاق بازرگانی و پیروان آیت‌الله نئولیبرالیسم و شرکت‌های خصوصی و خصولتی در ایران برای این عده نظام مالیاتی وجود ندارد تا در این زمینه پیگیری نماید. این که مالک دو برج به نام حسین عبدالباقی خودش دیگر باقی نمانده و یا با توجه به تناقضات اخبار مسئولان و بی‌اعتمادی مردم به آنها، ایشان فلنگ را بسته و فرار کرده‌اند و یا فرارشان داده‌اند، به نظر ما اهمیت درجه دوم دارد، زیرا بسیاری عبدالباقی‌های دیگر هنوز باقی هستند و به تخلفات سودآور خود ادامه می‌دهند. مادام که در این مملکت کسانی نظیر آقای روحانی، احمدی‌نژاد، خاتمی و رفسنجانی در حکومت وجود داشته باشند و مانع شوند که این دستان قطع گردند و این افراد به مردم ایران پاسخگو باشند، درب بر همین پاشنه خواهد گشت. «اصلاح» طلبان حکومتی - به جز آقای احمدی‌نژاد که نه با «اصلاحات» بلکه با خرابکاری همان سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را بر خلاف مصالح ملت ایران انجام می‌داد - به یک حد و به یک سان در ریزش ساختمان متروپل و متروپل‌ها در آبادان و به طریق اولی در ایران مقصرند. مطبوعات ایران نوشته‌اند: «در هیچ کجای دنیا در حال حاضر، فروش تراکم به روال ایران انجام نمی‌پذیرد، در ایران، تا اوایل انقلاب درآمدهای شهرداری از طریق کمک‌های دولت و عوارض نوسازی تأمین می‌شد، اما همزمان با جنگ کمک‌های دولت به شهرداری‌ها قطع شد و به شهرداری‌ها اجازه داده شد به دنبال درآمدهای مستقل بروند. از آن زمان تأمین درآمد شهرداری با فروش تراکم و مازاد تراکم آغاز شد.» این همان سیاست تعدیل اقتصادی امپریالیستی، نئولیبرالی مافیای رفسنجانی بود و هست. در سراسر ایران شهرداری‌ها برای صدور مجوز ساختمان باید تمام قوانین شهرسازی را مد نظر قرار دهند، تراکم جمعیت، امکانات تردد، عرض معبر، امکانات حمل و نقل، اطفاء حریق، مشکل سیل و زلزله، زیاده‌زدائی، بهداشت و امکانات درمانی، امکانات تفریحی، دفع فاضل آب و... باید مورد نظر قرار گیرند. پیمانکاران

مافیائی پس از گرفتن مجوز ساختمانی که تعداد طبقات آنها در کنار بسیاری ملاحظات ساختمانی باید رعایت شوند، بدون توجه به پی و مقاومت مصالح ساختمانی به افزایش تراکم پرداخته و به تعداد طبقات ساختمان برای فروش می‌افزایند. قیمت خرید تراکم مازاد یعنی ساخت طبقه اضافه را شورای اسلامی تعیین می‌کند و شهرداری این تعرفه صادر شده را اجرا می‌کند.

اما برای تعیین قیمت و هزینه‌های پیشروی ساختمان و خرید تراکم مازاد باید به قوانین و مقررات شهرداری توجه کرد. گاهی پیش می‌آید که در صورت توافق شهرداری، حتی نیاز به کسب رضایت از همسایگان نیز لازم است. ولی غول فساد جلوی همه این کارها را می‌گیرد.

شهرداری‌ها که با این بی‌قانونی روبرو بوده‌اند، توسط دولت، قانونی را تصویب کرده‌اند تا پیمانکاران متخلف را به علت این تخلفات به پرداخت جریمه نقدی مجبور کنند. ولی مقدار این جرایم در مقابل سود ناشی از فروش به قدری ناچیز است که برای متخلفان، فروش این واحدهای مسکونی، علیرغم پرداخت جریمه، سود هنگفتی به بار می‌آورد. دریافت این جرایم از این پیمانکاران نیز برای شهرداری‌ها به منبع درآمد خوبی بدل شده است. آنها به جای مالیات گرفتن از مالکان، آنچنان که در تمام جهان برای اداره شهرها لازم است، از جریمه‌های نقدی مخارج خود را تأمین می‌کنند و طبیعتاً برای عملی شدن این وضعیت و بخشیدن این منبع درآمد بر این تخطی چشم می‌پوشند و یا با رشوه‌گیری امکانات این تخلفات را فراهم می‌آورند. بدانیم که هر ساختمان علاوه بر آن که به مجوز احداث بنا از سوی شهرداری نیاز دارد، به گواهی پایان کار نیز نیازمند است.

گواهی پایان کار ساختمان پس از تکمیل شدن یک سازه، صادر می‌شود و چیزی شبیه به شناسنامه برای ساختمان به حساب می‌آید. باید دید در مورد برج متروپل چه کسی این شناسنامه‌ها را صادر کرده است. نه پیمانکاران و نه شهرداری‌ها و نه مسئولان امور علی‌رغم آگاهی از این خطرات مهلک، کوچک‌ترین گامی برای رفع آن برنمی‌دارند و نظامی سست و در خطر ریزش برای حفظ منافع مافیائی خویش خلق کرده‌اند. برج‌های آبادان در سراسر ایران هستند. امکان ریزش آنها یک مسئله زمانی است. باید دست‌هائی را که مانع از مجازات سخت برای این پیمانکاران و حامیان آنها می‌شود قطع کرد.

باید در یک اقدام گسترده، با شفافیت و قاطعانه به این وضعیت وخیم که مانند بمب ساعتی در سراسر ایران عمل می‌کند پایان داد. باید تمام ساختمان‌های غیرمجاز مورد بررسی قرار گیرند و پیمانکاران متخلف همراه با حامیان آنها مجازات شوند و شرایط ایمنی لازم را برای ساکنان این مساکن ایجاد کرد. زمانی که ما این مقاله را می‌نوشتیم قطاری در جنوب آلمان از ریل خارج شد و حداقل ۵ نفر کشته شدند. از زمان خصوصی سازی راه آهن آلمان این چندمین فاجعه‌ای است که در این کشور در اثر سوء مدیریت و ... ادامه در صفحه ۷

**پیمان تجاوز کار ناتو منحل باید گردد!**



## آوار فساد... دنباله از صفحه ۶

صرفه‌جویی جنایتکارانه رخ داده است. فروریختن ساختمان در فلوریدا، لندن، پاریس امر جدیدی نیستند. همین چند سال پیش بخشی از پل هوایی یک بزرگراه خصوصی به طول ۸۰ متر در منطقه جنوا در شمال ایتالیا به عمق ۵۰ متری سقوط کرد و دست کم ۳۵ کشته و تعدادی زخمی برجای گذاشت. علت ریزش این پل مهم و تجاری میان ایتالیا و فرانسه سوءاستفاده، حیف و میل و صرفه‌جویی در نگهداری پل توسط سرمایه‌داران خصوصی اعلام شد. ولی هیچ انسانی از این فاجعه مسرور نمی‌شود.

ولی در میان اپوزیسیون ایران و دشمنان مردم ایران وضع طور دیگری است. آنها ناراحت هستند که چرا مردم بیش‌تری در فروریختن برج متروپل کشته نشده‌اند تا آنها بتوانند از آن برای مقاصد ضدایرانی و خرابکارانه خویش سوء استفاده کنند. این جریان‌های ضدانقلابی و وابسته به بیگانه تلاش کردند از مصائب مردم، از آلام این قربانیان فساد برای نیات شوم خود سوء استفاده کنند.

نظام حاکم بر میهن ما که سراپا فساد، سراپا خودسری و بی‌قانونی است، آن چنان زمینه نارضائی و نفرتی در میان مردم فراهم آورده است که هر واقعه و نارضائی جزئی به یک غلیان اجتماعی بدل می‌گردد. شوربوخانه به علت فقدان سازمان‌های قدرتمند انقلابی که قادر باشند مبارزه مردم را رهبری کرده، از شورش کور جلوگیری و تدارک آینده ایران انقلابی را با برنامه‌ریزی ببینند، گروه‌هایی که معلوم نیست سرشان به کجا بند است و از رادیو ایران اینترنشنال، من و تو، رادیو فردا و زمانه، بی‌بی‌سی، اپوزیسیون خودفروخته و ضدایرانی و جریان‌های امنیتی بیگانه الهام می‌گیرند، و حتی برخی از آنها خودشان را انقلابی جا می‌زنند، به میدان می‌ریزند و با طرح شعارهای انحرافی نظیر «دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست» به حمایت از اسرائیل و آمریکا دست می‌زنند تا آمریکای جنایتکار را که در اثر تحریم، جنگ و تهدید همه حقوق ملی ایران را نقض و لگد مال کرده است، دوست مردم ایران جلوه دهند. این گروه‌های «انقلابی» متحدان روحانی‌ها، ظریف‌ها، رفسنجانی‌ها و همه آمریکاپرستان و تحقیرکنندگان ایرانی هستند. کسی که شعار می‌دهد «رضا شاه روح شاد» یک نفر بیش‌تر نیست ولی پژواک رسانه‌ای دارد. او دلش برای قربانیان آوار متروپل نسوخته است بلکه مرده‌پرستی است که آرزوی آباد کردن گورستان‌های زمان رضا شاه و محمد رضا شاه را در ایران دارد. دشمن ایران و دوست بیگانگان است. مردم ایران باید در مبارزه با حکام ایران همواره منافع ملی ایران را در

نظر داشته باشند و به آلت دست مشتی ضدانقلابی مزدور بدل نشوند. مردم ایران نباید فریب رسانه‌های بیگانه را بخورند که آرزوی نابودی ایران را داشته و آوار متروپل برایشان تنها فال نیک است. هر تحول عمیق و بنیادی در ایران باید با دست مردم ایران و برضد دسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم صورت پذیرد. کسی که آمریکا و اسرائیل را تطهیر می‌کند، آرزوی آواری سخت‌تر بر سر مردم و سراسر ایران و نابودی ایران را در سر دارد.\*

## قطعنامه شورای حکام... دنباله از صفحه ۸

همکاری با جامعه بین‌المللی جهت حفظ این توافق که از اهمیتی راهبردی برای عدم اشاعه هسته‌ای برخوردار است، ادامه دهد» و به این ترتیب در لفافه چنین تبلیغ می‌کند که هدفش جلوگیری از اشاعه بمب اتمی است که ایران در پی اشاعه آن است... ایسا ادامه می‌دهد: «اتحادیه اروپا از تمامی کشورها می‌خواهد تا به حمایت از اجرای توافق در راستای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از سازمان ملل حمایت کنند.» ولی خود اتحادیه اروپا حتی تا یک سال بعد از پاره کردن برجام توسط رئیس‌جمهور آمریکا حاضر نشد در راستای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت عمل کند و اکنون با توهین به خرد مردم جهان و تقویت شایعات و تبلیغات دشمنان مردم ایران و اصلاح‌طلبان آمریکائی، چنین جلوه می‌دهد که این ایران بوده است که برجام را زربا گذارده و در راستای قطعنامه ۲۲۳۱ عمل نکرده و نه آمریکا و اروپای «متمدن».

و یا می‌آورد: «اتحادیه اروپا از تلاش‌های دیپلماتیک شدید در کمیسیون مشترک برجام و تماس‌های نماینده عالی اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ‌کننده برجام با طرفین مربوطه جهت حصول بازگشت به برجام توسط ایالات متحده و ازسرگیری اجرای کامل برجام توسط ایران و آمریکا حمایت می‌کند». نخست این که تروئیکا هماهنگ‌کننده نیست و نمی‌تواند پای خود را به عنوان ناظر بی‌طرف بیرون بکشد، زیرا تروئیکا عضو برجام بوده آن را امضاء کرده و باید تعهد کند که همه اعضای برجام به تعهدات خویش عمل کنند. دوم اینکه تروئیکا باید به آمریکا بگوید که باید به برجام برگردد و به تعهداتش عمل کند. مخاطب اتحادیه اروپا می‌بایست آمریکا باشد و نه ایران. لذا بیان این مطلب که تروئیکا «از طرفین مربوطه جهت حصول بازگشت به برجام... و از سرگیری اجرای کامل برجام... حمایت می‌کند» حرف پوچی است که می‌خواهد ایران را مقصر جلوه دهد و نه آمریکا را. این قطعنامه تنها برای تیره آمریکا تدوین شده و هدفش ادامه تهدید و تحریم ایران است.

تمام ممالکی که به این قطعنامه ضدایرانی رای دادند نه به این علت بود که از دروغ‌های آن بی‌خبر هستند و عقلشان کار نمی‌کند و یا از تحولات جهان بی‌خبرند، خیر! دیگر چه کسی در جهان وجود دارد که پاره کردن برجام توسط دونالد ترامپ را نادیده بگیرد و مانند اصلاح‌طلبان آمریکائی در ایران منکر واقعیت شود. همه این کشورها می‌دانستند که این قطعنامه دروغ است، ولی آنها حاضرند برای منافع خودشان صدبار دیگر هم به این نمونه قطعنامه‌های دروغ رای مثبت دهند. در عرصه سیاست فقط زور و قدرت سخن اول را می‌گویند.

اگر ایران قدرتمند بماند، زیر بار حرف زور نرود، موشک‌های خود را حفظ کرده آنها را تکامل بخشد، به نیروی نظامی خود تکیه کند تا از مرزهای ایران در مقابل تحریم و تجاوز دشمن دفاع نماید، آنوقت ایران دارای احترام خواهد بود و این آراء تغییر خواهند کرد. با خودزنی، خودتحقیری، عجز و لایه، تسلیم تبلیغات ضدایرانی مشتی وطفروش در رادیوهای بیگانه شدن، کمر خم کردن در مقابل سونامی تبلیغاتی و جنگ روانی ارتجاع امپریالیستی - صهیونیستی، نمی‌توان از منافع ملی ایران دفاع کرد.\*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۹۱ فرورداد ۱۴۰۱

را در تارنمای توفان مطالعه نمایید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می‌شود!

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند!

## قطعه نامه شورای حکام برای تبرئه آمریکا

مطبوعات جهان خبر دادند که در تاریخ ۸ خرداد ۱۴۰۱ برابر ۸ ژوئن ۲۰۲۲ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به قطعنامه انتقادی علیه ایران رای داده است. دول روسیه و چین با رای مخالف خود این قطعنامه را رد کردند و هندوستان، پاکستان و لیبی نیز به آن رای ممتنع دادند. تعداد اعضای این شورا ۳۵ عضو است که ۳۰ نفر از آنها با فشار آمریکا به این قطعنامه رای مثبت دادند. یعنی حدود نصف جمعیت جهان این زورگویی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را مورد تأیید قرار نداده‌اند. آقای رافائل گروسی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تنها مأموریت نظارت بر تاسیسات هسته‌ای و ظاهراً آنهم فقط تاسیسات هسته‌ای ایران را دارد. آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه، هندوستان، پاکستان، کره شمالی و مهم‌تر از همه اسرائیل، ایشان را به تاسیسات هسته‌ای خود اساساً راه نمی‌دهند انگار که این آقا و سازمان جهانی انرژی هسته‌ای را برای ایران ساخته‌اند. وظایف ایشان روشن است و حق نظارتشان تنها جنبه فنی دارد و نه سیاسی. ولی این آقا به خودش حق می‌دهد اظهار نظر سیاسی نیز بکند و پای درد دل و رهنمودهای رژیم صهیونیستی اسرائیل هم بنشیند و از آنها برای مبارزه با منافع ملی ایران رهنمود بگیرد. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای پایش را از گلیمش فراتر می‌نهد. آنها به آزادی علم تجاوز می‌کنند، اساتید دانشگاه و دانشمندان ایران را بازجویی می‌نمایند و از پژوهش‌های دانشجویان رسماً جلوگیری می‌نمایند.

آنها اسرار ایران را به اسرائیل می‌دهند و دسیسه می‌چینند و تمام سخنرانی‌های خلاف واقع ایشان فاقد ارزش و اعتبار بوده و در دشمنی با منافع ملی و حق حاکمیت ایران است. دولت‌های سابق ایران تاکنون با این خیانتکاران همکاری تنگاتنگ داشته‌اند و باید محاکمه شوند. ادعای مملو از دروغ گروه ۳ چند هدف را دنبال می‌کند. نخست این که ایران را مسئول برهم خوردن برجام جلوه دهد و نه آمریکا، دیگر این که وانمود کنند اروپا به تمام تعهدات خویش عمل کرده است و این ایران بوده است که به تعهداتش عمل نمی‌کند و بالاخره لاپوشانی کردن واقعت پاره کردن برجام از جانب آمریکا و ادعای این که گویا این ایران است که مانع پیشرفت برجام بوده و این ایران است که باید به برجام باز گردد و نه آمریکا. البته دروغ‌های دیگری هم که فقط برای فریب افکار عمومی در نظر گرفته شده‌اند در این کارزار تبلیغاتی نقش به سزایی ایفا می‌کنند. از جمله اینکه گویا عدم بازگشت ایران به برجام صلح جهانی را به خطر می‌اندازد زیرا غنی‌سازی اورانیوم در ایران به ساختن بمب اتمی منجر می‌شود که آژانس جهانی انرژی اتمی نگران آن است. گویا مهیب‌ترین سلاح جهان بمب اتمی موهومی ایران است. در عین حال آژانس از این که ایران به درستی از انجام پروتکل استعماری و خیانتکارانه الحاقی سر باز زده است، ناراحت است زیرا نظارت سازمان جاسوسی موساد مشکل‌تر می‌شود. امضاء پروتکل الحاقی خیانت حسن روحانی بود که حق حاکمیت ایران را دودستی تقدیم آمریکا و اسرائیل نمود. اکنون آمریکای قلدر با توجه به شرایط جدید، به عنوان طلبکار به ایران حمله می‌کند تا زمینه را برای ادامه تحریم نیروهای دفاعی و نظامی ایران و تضعیف آنها زمینه را برای تجاوز و تصرف ایران سهل‌تر گرداند. ولی اوضاع جهان تغییر کرده و تحولات جهان به ضرر آمریکا و جناح غرب است و هرگز نباید تسلیم این غارتگران و استیلاجویان گردید.

خبرگزاری ایسنا در این زمینه نوشت: «اتحادیه اروپا و تروئیکای اروپایی با قرائت بیانیه‌هایی در جلسه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواستار همکاری کامل ایران با آژانس اتمی شد». ولی این حقیقت همه دانسته است که این آمریکا و همدستانش بودند که از برجام خارج شده، به همکاری نپرداخته و حتی بعد از این که ایران به صورت حقیرانه در زمان آقای حسن روحانی یک سال تمام بعد از نقض برجام به آن وفادار ماند، این زورگویان حاضر به همکاری با ایران نشدند و اکنون عکس واقعیت را جلوه می‌دهند. ایسنا اضافه کرد: «اتحادیه اروپا بر تعهد راسخ و حمایت خود نسبت به اجرای کامل و موثر برجام تأکید می‌کند». بر این دروغ چه می‌شود نوشت؟ اتحادیه اروپا تمام تعهدات خویش را در مورد برجام زیر پا گذارد، به تحریم‌های ایران ادامه داد و با مانور و حیل‌گری مدعی شد در صدد اختراع سازوکاری است تا بتواند سلطه دلار برای مبادلات تجاری با ایران را دور زند که همه آنها دروغ بود و حال این همه نقض تعهدات را «تعهد راسخ و حمایت خود نسبت به اجرای کامل و موثر برجام» جا می‌زند. آنها ادامه می‌دهند: تروئیکای اروپا «مصمم است تا به... ادامه در صفحه ۷»

Workers of all Countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party  
of Labour of Iran

No. 268 July 2022

## آوار فساد از آوار در آبادان مهلک‌تر است

در آبادان همیشه ملت‌ب ساختمان برج متروپل فروریخت و چند ده نفر از هموطنان ما در زیر آوار به هلاکت رسیدند. کدام ایرانی میهن‌دوست و بشردوستی است که از این واقعه متأثر نشده و اشک در چشمانش حلقه زده باشد.

ولی برخورد انتقادی و سازنده به این رخداد از دو منظر صورت گرفت که مسئله آبادان را به کلی سیاسی کرد و ما به ماهیت این دو نظریه برخورد می‌کنیم. یکی از نظر کسانی که به کشورشان علاقمند هستند و برای سربلندی ایران مبارزه می‌کنند و دیگر از جانب دشمنان ایران، خودتحریران ضد انقلاب «انقلابی»، مزدوران و بیگانه‌پرستان و بلندگویان بیگانه.

دلیل ریزش برج متروپل، بزرگترین ساختمان اداری- تجاری آبادان از نظر کارشناسان، معماران و حتی علی‌رغم هشدارهای مکرر سازمانی به نام نظام مهندسی برای توقف بنای برج و مجاز نبودن افزایش سه طبقه اضافی به آن، همان دزدی در مصالح ساختمانی، زیر پا گذاردن مجوزهای قانونی، رشوه‌خواری، تخلف، بی‌توجهی، فقدان مسئولیت، عدم پاسخگویی به مردم و نظایر آنها است. مسئولیت این امر تنها ناشی از یک خطای انسانی نیست، ممکن است هر شخصی، حتی... ادامه در صفحه ۶

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

## سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه‌ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساترشدن به یاری همه کمونیست‌های صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

دست امپریالیسم، صهیونیسم و متحدان‌شان از ایران کوتاه باد!